

بررسی تغییرات اقتصادی و اجتماعی در شیوه زندگی روستاییان  
به واسطه استقرار صنعت در مناطق روستایی  
نمونه مورد مطالعه: مجتمع صنعتی معدنی مس قلعه زری

مهدی کرمانی\* (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد)  
[kermanimahdi@gmail.com](mailto:kermanimahdi@gmail.com)  
دکتر حسین بهروان (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)  
[behraavan@um.ac.ir](mailto:behraavan@um.ac.ir)  
دکتر مصطفی ازکیا (استاد بازنشسته دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی)  
[mazkia@ut.ac.ir](mailto:mazkia@ut.ac.ir)

### چکیده

در این مقاله به بررسی مقوله استقرار صنعت در مناطق روستایی به عنوان یکی از شیوه‌های رایج بسط اقتصاد غیرزراعی در روستاها و تغییرات اقتصادی و اجتماعی در شیوه زندگی روستاییان به واسطه این امر پرداخته شده است. کمبود در برخی از عوامل اصلی تولید کشاورزی همچون منابع آب و خاک در عین فراوانی عامل نیروی کار در این مناطق علاوه بر ایجاد فشار روز افزون بر زمین‌های زراعی، موجب مهاجرت گسترده روستاییان و به تبع آن درگیر ساختن دیگر مناطق با مشکلات ناشی از این مهاجرت‌ها می‌شود. در چنین وضعیتی استقرار صنعت به ویژه در مناطقی که از قابلیت کافی در زمینه تولید کشاورزی برخوردار نیستند می‌تواند ابزاری مناسب برای تثبیت مکانی جمعیت روستایی و ارتقاء سطح شاخص‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی همچون اشتغال، درآمد و برخورداری از امکانات بهداشتی، درمانی و آموزشی در عین صیانت از منابع طبیعی تجدیدناشونده همچون منابع آب و خاک باشد. نتایج این تحقیق نیز در بیشتر موارد مؤید این اثرات است. در عین حال برخی اثرات سوء زیست‌محیطی و در مواردی مهاجرت ناشی از توانمندی اقتصادی را نیز به عنوان وجه دیگر فرآیند مورد اشاره، نباید از نظر دور داشت.

\* نویسنده مسؤول

مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۲۱۴-۱۷۹

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۴/۱۶ تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۰/۲۰

**کلیدواژه ها:** فعالیت‌های غیرزراعی، صنایع روستایی، توسعه پایدار (روستایی)،

تغییرات اقتصادی و اجتماعی

### مقدمه و طرح مسأله

یکی از تجربیات مشترک اغلب کشورهای در حال توسعه، اختلاف فاحش توسعه یافتن مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی است. به طوری که نه تنها در مناطق روستایی فاصله‌ای چشمگیر در زمینه سرمایه‌گذاری و تولید به چشم می‌خورد، بلکه از حیث مسائل فرهنگی و اجتماعی نظیر آموزش، سلامتی و امنیت اجتماعی که همه جزء پیش شرط‌های توسعه انسانی هستند نیز دارای عقب ماندگی‌های فاحشی نسبت به مناطق شهری هستند. این وضعیت، مهاجرت‌های بی‌رویه روستا-شهری را در این کشورها به دنبال داشته‌است که خود مقدمه‌ای برای مشکلات فراگیر اجتماعی و اقتصادی به ویژه در مراکز شهری بوده‌است.

به طور کلی فقر، پایین بودن درآمد، بیکاری و به تبع آن مهاجرت، از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جامعه روستایی است. در گذشته بسیاری از حکومت‌ها نسبت به فقر و پیامدهای آن جدی نبودند زیرا نرخ رشد بالای جمعیت به عنوان ریشه اصلی فقر عنوان می‌شد و برنامه‌های عمومی برای کاهش فقر با کنترل جمعیت ارتباط مستقیم داشت. در حالی که سایر عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در ایجاد فقر مورد غفلت واقع شده‌بود. به تبع این روند غالب تلاش‌های توسعه‌ای معطوف مناطق شهری شده و نقاط روستایی به طور عموم فراموش شده‌بودند. در نتیجه الگوی شهری-حاشیه‌ای در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تقویت گردید. پیامد اصلی این مسأله عدم توجه به مشکلات واقعی مناطق روستایی در فرآیند توسعه و در نهایت عقب ماندگی آن‌ها بوده‌است.<sup>۱</sup>

از این رو در طراحی و پیشبرد هر برنامه‌ای در مسیر توسعه‌یافتگی علاوه بر نگاه هماهنگ به بخش‌ها و مناطق مختلف، نباید اهداف اصلی یعنی انسانی بودن و پایدار بودن توسعه را از یاد برد (جمعه پور، ۱۳۸۴: ۶۷). به عبارت دیگر و در ارتباط با بحث حاضر نباید تصور کرد توسعه روستایی

1- UNESCAP, 2001

صرفاً به معنای توسعه کشاورزی یا نحوه‌ای از رفاه اجتماعی است که با تزریق پول به مناطق روستایی، نیازهای اولیه و اساسی انسان‌ها مرتفع شود، بلکه توسعه مطلوب طیف وسیعی از فعالیت‌های گوناگون را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانی‌های ساختاری قادر می‌سازد (موسوی شاهرودی، ۱۳۸۳: ۵۵). به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی زمینه مناسبی برای دستیابی به چنین اهدافی باشد.

توسعه فرصت‌های مربوط به اشتغال روستایی در این مناطق (در شرایطی که بخش کشاورزی تنها می‌تواند نسبت اندکی از نیروی انسانی در مناطق روستایی را که سالانه به طور فزاینده بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود، را جذب کند)، توزیع عادلانه‌تر درآمد، کاهش شکاف درآمدی بین شهر و روستا، کاهش فقر، کنترل مهاجرت، افزایش صادرات و کاهش واردات، امکان استفاده بهینه از منابع، امکانات موجود و مواد اولیه و همچنین کمک در تسریع روند توسعه کشاورزی از جمله مهم‌ترین پیامدهای مثبت و قابل ذکر گسترش صنایع روستایی محسوب می‌شود (دربان آستانه، ۱۳۸۴: ۴۳ و موسوی شاهرودی، ۱۸۷).

در واقع بر خلاف آنچه که پیش از این پنداشته می‌شد، اقتصاد روستایی امکان لازم برای جذب این نیروی کار مازاد خود از طریق توسعه زیر بخش‌های غیر زراعی را دارد. البته همه بخش‌های غیرزراعی به یک نسبت در این امر سهیم نیستند. در حالی که برخی از پیشه‌های حاشیه‌ای ممکن است رو به زوال باشند، باقی موارد که دارای ارتباطات فزاینده با تقاضای محلی و فرا محلی هستند، در حال رشدند. تضمین دستیابی فقرا به این موقعیت‌ها کلید رشد اشتغال برای روستاییان فقیر است.

در اغلب مواردی که صحبت از پایداری در متون مختلف مرتبط با مباحث توسعه پیش کشیده می‌شود یکی از اولین قدم‌ها موضع‌گیری نسبت به صنعت و پیامدهای توسعه صنعتی در ارتباط با علائق موجود در زمینه حصول پایداری در حین و بعد از اجرای برنامه‌های توسعه‌است. هر چند گاهی می‌توان شاهد اتخاذ مواضع تندی در این باره بود، اما دیدگاه غالب مبتنی بر امکان دستیابی توأمان به امتیازات توسعه صنعت در مناطق مختلف، در عین برخورداری از توسعه‌ای پایدار است. بر چنین مبنایی، هدف عمومی این تحقیق در بعد نظری بررسی امکان بهره‌گیری از

توسعه صنعتی در مسیر تحقق الگوی توسعه پایدار در مناطق روستایی با تأکید بر توانایی عمده آن در ایجاد اشتغال روستایی است. در بخش تجربی تحقیق نیز مطالعه میدانی پیرامون تغییرات اقتصادی و اجتماعی حاصل در شیوه زندگی روستاییان به واسطه استقرار مجتمع مس قلعہ زری و اشتغال روستاییان در آن مورد توجه بوده است. سؤال اصلی تحقیق از این قرار است که آیا استقرار صنعت در مناطق روستایی و اشتغال روستاییان در آن می‌تواند سبب بهبود و ارتقاء ویژگی‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی زندگی آنها، به نحوی پایدار گردد؟

### چارچوب نظری تحقیق

چنانچه به دنبال تبیین تئوریک برای توجیه لزوم استقرار صنعت در روستاها باشیم، نظریات مختلفی را می‌توان مورد توجه قرار داد. به طور مثال راهبرد «نیازهای اساسی» که در جستجوی اتخاذ شیوه‌ای برای مرتفع ساختن حداقل نیازهای اساسی زندگی مانند غذای کافی، پوشاک، مسکن، خدمات آموزشی و بهداشتی برای مردم فقیر است (که در بیشتر کشورهای در حال توسعه اغلب در مناطق روستایی زندگی می‌کنند)؛ با در نظر گرفتن اشتغال و درآمد کافی به عنوان اصلی ترین نیاز افراد فقیر برای رسیدن به هدف غایی خود، توسعه روستایی و به ویژه اشتغال زایی در مناطق روستایی را مورد توجه قرار می‌دهد (جمعه پور، ۹۹:۱۳۸۴ و زیاری، ۱۳۸۳:۱۲۸ و مشاوران دی اچ وی<sup>۱</sup> هلند، ۱۳۷۱:۴۰).

هرچند تا آنجا که به توسعه روستایی به طور عام و بهره‌گیری از صنعت در راستای این هدف مربوط می‌شود، پارادایم‌ها و تئوری‌های توسعه از گذشته تا به حال (به صورت پیوسته از تئوری‌های نوسازی اقتصادی تا تئوری‌های مرتبط با حکمرانی محلی) دربرگیرنده عناصر مشخصی برای توسعه روستایی بوده‌اند، اما به نظر می‌رسد که در شرایط فعلی رویکردی می‌تواند مفید واقع شود که جامع‌نگر و ترسیم‌کننده چارچوب کلی و ارایه‌دهنده دورنمای قابل قبولی برای هرگونه بحث و اقدام پیرامون توسعه روستایی (و از جمله بحث حاضر) باشد. نمونه‌های قابل توجهی از چنین رویکردهایی در نظریاتی که در آنها مفهوم «توسعه پایدار» به عنوان محور کار واقع

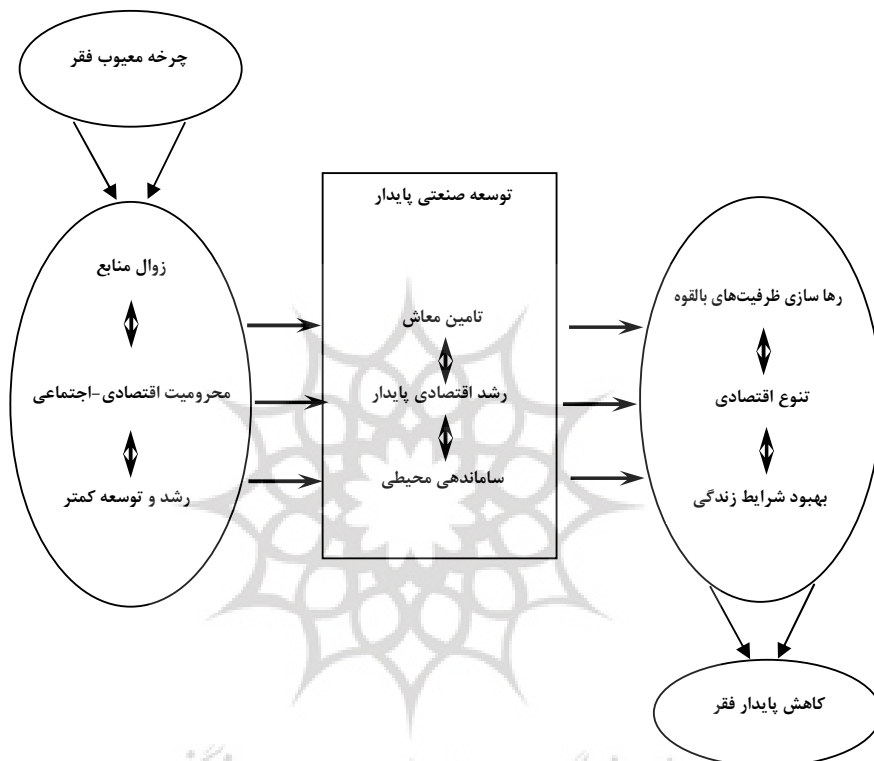
شده است، دیده می شود (کُل، ۲۰۰۴: ۱۹).

مفهوم توسعه پایدار به طور رسمی از سال ۱۹۸۷، پس از طرح آن در مجمع عمومی سازمان ملل و مورد پذیرش قرار گرفتن از سوی اکثر کشورهای عضو رایج شد. به طور کلی توسعه پایدار متضمن فرآیندی از توسعه یافتگی است که طی آن نگاه هماهنگ و هم‌زمانی به وجوه مختلف توسعه (انسانی [فردی]، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی) صورت پذیرد. در یک رویکرد پایدار شیوه‌هایی از برطرف ساختن نیازهای نسل فعلی مورد توجه است که ضامن عدم خطرآفرینی برای نسل‌های آینده در تأمین نیازهایشان باشد. در عین حال قرار بر این نیست که در ذیل توجه به توسعه پایدار به دنبال آرمان‌گرایی‌هایی فارغ از مسائل جهان واقع پیرامون مان باشیم. بلکه عمده سعی می‌کنیم تا چشمان مان را بر روی این مسائل باز‌گشاییم و در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه، آن‌ها را مد نظر قرار دهیم (ریچاردز، ۲۰۰۲، گودلند، ۲۰۰۶ و جمعه پور، ۱۳۸۴: ۶۶ و ۷۲).

در ارتباط با موضوع این تحقیق، بررسی اثرات مختلف و بعضاً ناهمگون فرآیند توسعه صنعتی در کشورهای در حال توسعه مؤید این نکته است که کاهش فقر و دست‌یابی به اهداف توسعه پایدار روستایی به تنهایی تابع «اثر جذب نیروی کار» از مناطق روستایی نیست. ولی در عین حال صنعتی شدن روستا (یا همان فرآیند استقرار صنعت در آن) به عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد اشتغال پایدار و به عنوان یکی از آخرین راه حل‌ها برای مشکل فقر مناطق روستایی همچنان مورد توجه است (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۰). در این راستا می‌توان توسعه صنعتی پایدار را به عنوان راهکاری برای کاهش پایدار فقر و به عبارت دیگر تأمین معاش پایدار در مناطق روستایی مطرح کرد. طرح کلی چنین روندی در شکل (۱) نمایش داده شده است.

- 1- Kole
- 2- Richards
- 3- Goodland

شکل (۱) - توسعه صنعتی پایدار به عنوان راهکاری برای کاهش فقر پایدار  
(مبراتو و سرکوویچ<sup>۱</sup> ۲۰۰۴: ۵۴)



به عبارت دیگر فعالیت‌های غیر زراعی (که یکی از اشکال مهم آن اشتغال صنعتی است)، می‌توانند پایداری فرآیند توسعه در مناطق روستایی را از طرق مختلفی تحت تأثیر قرار دهند. اول آنکه این فعالیت‌ها تقاضا برای زمین کشاورزی و فشار بر روی زمین را در مناطق فقیر کاهش می‌دهند. در نتیجه فعالیت‌های غیرزراعی می‌توانند در گسستن چرخه معیوب «فقر- بهره‌برداری بیش از ظرفیت از زمین- تخریب اکولوژی- فقر» عمل کنند [پایداری زیست محیطی]. دوم آنکه

1- Mebratu & Sercovich

درآمدهای حاصل از بخش غیرزراعی می‌توانند به طور چشمگیری در آمد کل خانوار روستایی را افزایش دهند و به تبع آن ظرفیت سرمایه گذاری در فعالیتهای کشاورزی را بالا ببرند. همچنین این گونه درآمدها موجب تعدیل بی‌ثباتی درآمدهای روستائیان می‌شود و به آنها توانایی اقتباس برخی تکنولوژی‌های کشاورزی مفید، اما توأم با ریسک را می‌دهد [پایداری اقتصادی]. سوم آنکه درآمد غیرزراعی اغلب یک منبع برای پس‌انداز است که نقش مهمی را در امنیت غذایی ایفا می‌کند. خانوارهای روستایی که به درآمدهای خود از طریق شرکت در فعالیتهای غیر کشاورزی تنوع می‌بخشند، معمولاً توانایی بیشتری برای غلبه بر شوک‌های منفی پیدا می‌کنند [پایداری فردی] (گودلند، ۲۰۰۶ و زو، ۲۰۰۳).

بنابراین استقرار صنعت در روستا و گسترش فعالیتهای غیرزراعی عاملی مهم در افزایش رفاه و تامین کالاها و خدمات ضروری برای خانواده‌های فقیر روستایی است. همچنین استقرار صنعت ابزاری کارآمد برای اصلاح شرایط کار و استانداردهای زندگی در جهت مقابله با فقر است که نمود آن را می‌توان در ایجاد اشتغال مناسب و افزایش در درآمد سرانه روستائیان مشاهده نمود. ضمن آنکه تأثیر مثبت آن در زمینه‌هایی از قبیل افزایش آگاهی‌ها، گسترش آموزش، سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش کشاورزی، تغییرات در تراکم جمعیت، تأثیر بر کیفیت زندگی روستائیان، کاهش روند مهاجرت‌های روستایی، ارتقاء سطح مراقبت‌های بهداشتی برای کودکان و بزرگسالان، سرمایه‌گذاری بیشتر در مسکن روستایی، اصلاح و بهبود الگوی مصرف (کالاهای با دوام و مواد غذایی) و نهایتاً ایجاد نیازمندی‌های جدید به خدمات عمومی را نباید از نظر دور داشت (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۱۲، ۸۱، ۱۸۴، ۱۸۳ و دربان آستانه، ۱۳۸۴: ۱۹، زوا و تان، ۲۰۰۵).

علاوه بر موارد مذکور نکته حایز اهمیت دیگر برای این تحقیق توجه به نوع ویژه سکونتگاه مورد مطالعه است. روستاهای معدنی [که مورد مطرح شده در این مطالعه را نیز شامل می‌شود]، سکونتگاه‌هایی دور افتاده نسبت به مراکز شهری هستند. یکی از ویژگی‌های عمومی آنها عدم ارابه فرصت شغلی جایگزین برای معدنچیان است. مضاف بر اینکه اساساً کاربرد چندانی برای

1- Zhu

2- Xua &amp; Tan

مهارت‌های معدنچیان در سایر صنایع وجود ندارد (جانستون ۱۳۷۹: ۱۵۹). در چنین وضعیتی تعطیلی معدن پایه اقتصادی کل اجتماع را تهدید می‌کند. زیرا از آنجا که تعداد انگشت شماری از زنان دارای شغل و یا فعالیت درآمدزا هستند، فقدان شغل برای مردان بزرگسال به معنی نابودی زیربنای اقتصادی هر خانواده است.

در توصیفی اجمالی از مطالعات صورت گرفته پیرامون صنایع روستایی در ایران می‌توان آن‌ها را در دو دسته اصلی جای داد. گروهی از محققین در حوزه مورد مطالعه خود به این نتیجه رسیده‌اند که استقرار صنعت در مناطق روستایی نتوانسته است انتظاراتی که به لحاظ تئوریک مورد توجه برنامه‌ریزان و مجریان بوده است، به دست آورد. و حتی در مواردی نتایج معکوسی را در پی داشته است. به عنوان مثال موجب تسریع روند مهاجرت، خروج مازاد از مناطق روستایی، عدم ایجاد اشتغال برای خود روستاییان به واسطه اشتغال فرصت‌های شغلی توسط کارگران شهری و تمرکز صنایع در روستاهای نزدیک به شهرهای بزرگ شده است (خداکرمی، ۱۳۷۰؛ ماجدی، ۱۳۷۳؛ قاسمی، ۱۳۷۳؛ کاویانی، ۱۳۷۴؛ ظاهرخانی، ۱۳۷۹ و مرادی، ۱۳۸۴).

برخی دیگر از محققین به نتایج کم و بیش مثبتی در این زمینه دست یافته‌اند که حکایت از اثر بخشی مثبت صنایع در مناطق و نواحی روستایی بر سطح زندگی و درآمد روستاییان و گسترش فرصت‌های شغلی برای آن‌ها و نیز تمرکززایی صنعتی دارد (پاشائیان، ۱۳۷۲؛ دهقانی، ۱۳۷۳؛ شیبانی، ۱۳۷۷؛ صدر، ۱۳۷۸؛ فرجی سبکیار، ۱۳۸۰؛ لطفی، ۱۳۸۱ و مرادی، ۱۳۸۴).

بنابر آنچه گفته شد، در بخش میدانی تحقیق حاضر تأکید اصلی بر بررسی تغییرات اقتصادی اجتماعی در زندگی روستاییان به واسطه استقرار مجتمع صنعتی معدنی مس قلعه زری بوده است که در قالب شاخص‌هایی همچون ایجاد اشتغال و درآمد، احساس امنیت شغلی و رضایتمندی از کار، کیفیت زندگی، تغییر در الگوی مصرف و میزان دارایی‌ها، تأثیر اشتغال بر اعتماد اجتماعی و میل به مهاجرت مورد بررسی قرار گرفته است.

مفاهیم و یا شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی فوق‌الذکر، اغلب به صورت وسیعی در متون مربوط به مطالعه صنایع روستایی به چشم می‌خورد. در جدول (۱) تعدادی از منابع و متونی که مفاهیم مورد نظر در آن‌ها ذکر شده است و بعضاً در اینجا مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند، به



تفکیک برای هر مفهوم (شاخص) آورده شده است.

### جدول شماره (۱) - شاخص های مورد نظر در تحلیل تغییرات اقتصادی اجتماعی

منبع استخراج متغیر (مفهوم)	شاخص
طاهرخانی ۱۳۷۹، زوا و تان ۲۰۰۵، زو	میزان درآمد
جانستون ۱۳۷۹، زو ۲۰۰۳، گودلدن ۲۰۰۶	تنوع منابع درآمدی
جانستون ۱۳۷۹، گودلدن ۲۰۰۶، مبراتو و	امنیت شغلی
طاهرخانی ۱۳۷۹	رضایت شغلی
طاهرخانی ۱۳۷۹، مرادی ۱۳۸۴، لیانگ <sup>۱</sup>	گرایش به مهاجرت
اریکسون <sup>۲</sup> ۲۰۰۲، گودلدن ۲۰۰۶	برخورداری از خدمات اجتماعی عمومی (آموزش و بیمه)
دربان آستانه ۱۳۸۴، طاهرخانی ۱۳۷۹	بهره گیری از امکانات بهداشتی و درمانی
زو و تان ۲۰۰۵، زو ۲۰۰۳	الگوی مصرف
دربان آستانه ۱۳۸۴، طاهرخانی ۱۳۷۹	دسترسی به امکانات رفاهی و خدمات عمومی
گودلدن ۲۰۰۶	اعتماد بین شخصی
دربان آستانه ۱۳۸۴، طاهرخانی ۱۳۷۹	نگرش نسبت به کیفیت زندگی

### روش تحقیق

از آنجا که در این تحقیق، اطلاعات مورد نیاز به طور عمده از طریق پرسش نامه و با مراجعه مستقیم به افراد نمونه آماری گردآوری شده و محقق در پی تشریح و توضیح خصوصیات جامعه مورد نظر بدون دخالت در آن بوده است، روش اصلی مورد استفاده از نوع پیمایش توصیفی است. با توجه به شیوه انجام این تحقیق که مبتنی بر الگوی تک نمونه ای گذشته نگر بوده و در واقع در طی آن وضعیت فعلی افراد با وضعیت گذشته آن ها مورد مقایسه قرار گرفته است، یکی از مسائل جدی متوجه تحقیق حاضر تأمین روایی پرسش نامه بوده است. برای تأیید روایی پرسش نامه، ضمن بهره گیری از کتب و منابع معتبر موجود در طراحی آن<sup>۳</sup>، طرح اولیه پس از تنظیم و انجام

1 Liang

2 Ericsson

3 در طراحی پرسش نامه این تحقیق به ویژه از گویه های مورد بررسی در تحقیق مهدی طاهرخانی با عنوان "نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی: استان مرکزی" (پایان نامه دکتری) بهره گرفته شده است.

یک نمونه گیری مقدماتی (شامل ۱۶ نمونه)، توسط تنی چند از اساتید متخصص و کارشناسان مورد بازبینی قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات پیشنهاد شده، پرسش نامه نهایی تدوین گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر نیز عبارت است از کلیه کارگران شاغل در مجتمع صنعتی - معدنی مس قلعه زری که در زمان تحقیق بین ۵ تا ۱۵ سال سابقه کار داشته اند، پیش از آمدن به معدن شاغل و محل تولد آن ها روستا بوده است. با توجه به ماهیت این تحقیق که در پی بررسی اثرات اقتصادی اجتماعی ناشی از اشتغال روستاییان در واحد صنعتی مذکور و بر مبنای تغییرات احتمالی در شاخص های مختلف بر اساس داده های ذهنی پاسخ گویان بوده است، به منظور دستیابی به داده های قرین به واقع، بازه مذکور برای سابقه کار لحاظ شده است. در زمان انجام تحقیق مجتمع دارای ۳۷۱ کارگر بوده است که بر مبنای اطلاعات موجود، حدود ۷۵٪ آن ها (معادل ۳۰۰ نفر) واجد شرایط مورد نظر بوده اند. بر این اساس در سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای نمونه گیری تقریبی ۸٪ (۰,۰۸) و جامعه آماری ۳۰۰ عضوی، حجم نمونه قابل قبول برای این تحقیق ۱۰۴ نفر در نظر گرفته شد (بر اساس ارقام پیشنهاد شده در ادواردز و دیگران، ۱۳۸۴:۹۷).

روش نمونه گیری مورد استفاده، روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک بوده است. بدین صورت که پس از تعیین حجم نمونه و فاصله نمونه گیری، بر اساس شماره پرسنلی افراد جامعه آماری، نمونه آماری تعیین و به کمک پرسشگر همکار (که شاغل در مجتمع و متولد و ساکن روستای معدن بود)، با مراجعه به محل کار و یا منزل افراد مورد نظر، از آن ها پرسش گری به عمل آمد.

جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات تمامی سؤالات پرسش نامه وارد کامپیوتر و به کمک نرم افزار SPSS 13.0 و حسب مورد با آماره های مناسب تفسیر و توصیف شده اند.

مفهوم اصلی مورد تحلیل در این تحقیق تغییرات اقتصادی و اجتماعی بوده است که تلاش شده تا ابعاد مختلف آن به شرح زیر مورد بررسی گیرد:

**میزان درآمد:** مقصود از میزان درآمد حقوق ماهیانه و یا متوسط سود حاصل از فعالیت های کشاورزی و دامی و یا هرگونه فعالیت درآمدزای دیگر به عنوان شغل اصلی است. برای بررسی و سنجش میزان درآمد چهار شاخص در نظر گرفته شده اند که عبارتند از "میزان

درآمد پاسخ‌گویان در حال حاضر"، "درآمد تقریبی آن‌ها قبل از اشتغال در معدن" و "مقایسه درآمد کارگران با هزینه‌های زندگی از دید خودشان، به تفکیک برای قبل و بعد اشتغال در معدن". هر چهار شاخص در قالب طیف پنج‌گزینه ای (دو مورد اول از "خیلی کم" تا "خیلی زیاد" و دو مورد بعدی از "کاملاً کفاف می‌کرد" تا "عموماً مشکل شدید مالی داشتم") طراحی شده بود.

**تنوع درآمدی:** این مفهوم اشاره به وجود یک یا چند منبع درآمدزای دیگر، به جز شغل اصلی در زندگی اقتصادی هر فرد و یا خانوار دارد.

"فعالیت کشاورزی و دامداری به عنوان شغل جانبی" "فعالیت‌های اقتصادی غیر کشاورزی به عنوان فعالیت جانبی" و "فعالیت درآمدزای زنان"، به تفکیک برای قبل و بعد از اشتغال، شاخص‌های به کار گرفته شده برای سنجش تنوع درآمدی بوده است که در قالب گویه‌های دو‌گزینه‌ای "بلی - خیر" طراحی شدند.

**امنیت شغلی:** امنیت شغلی دربرگیرنده وضعیت فرد در ارتباط با احتمال تغییرات شغلی، از دست دادن شغل و عدم دستیابی به شغل مناسب است.

این مورد با میزان اطمینان کارگران نسبت به ثبات شغلی در قبل و بعد از اشتغال صنعتی و براساس طیفی پنج‌گزینه ای (از "خیلی کم" تا "خیلی زیاد") عملیاتی شده است.

**رضایت شغلی:** این مفهوم به عنوان احساس مثبت فرد نسبت به شغل در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر رضایت شغلی عبارت از حدی از احساسات و نگرش‌های مثبتی است که افراد نسبت به شغل خود دارند.

مفهوم فوق با شاخص‌های "کیفیت محیط کار از دید پاسخ‌گویان" و "میزان علاقه به کار" در قبل و بعد اشتغال در مجتمع و براساس طیفی پنج‌گزینه ای (از "خیلی کم" تا "خیلی زیاد") سنجیده شده است.

**گرایش به مهاجرت:** مهاجرت همان‌گونه که در برخی از منابع مرتبط با بحث مهاجرت ذکر شده است (به عنوان مثال لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۱۵)، عموماً بیانگر انتقالی است که در آن مردم به طور کلی از اجتماعات کوچک‌تر کشاورزی به اجتماعات بزرگ‌تر غیر کشاورزی حرکت می‌کنند.

در طی چنین فرآیندی به تدریج زمینه روستایی زندگی افراد مهاجر پس زده می شود و آن‌ها در موجودیت شهری تسلیم می شوند. اساس چنین حرکتی یک انتقال دایم در مکان و شیوه زندگی را تشکیل می دهد.

گرایش به مهاجرت توسط هفت شاخص مورد سنجش قرار گرفته است که عبارتند از میزان تمایل به ماندن در روستا به تفکیک برای خود پاسخ گویان، همسر و فرزندان آنها، در قبل و بعد از اشتغال صنعتی، و محل مورد نظر پاسخ گو برای زندگی پس از بازنشستگی (شهر یا روستا). لازم به ذکر است که با توجه به محدودیت های موجود، در هر شش مورد اول میزان این تمایل از خود پاسخ گو و در قالب طیفی پنج گزینه ای (از "خیلی کم" تا "خیلی زیاد") پرسیده شده است.

**خدمات اجتماعی همگانی:** این مفهوم شامل آن دسته از خدماتی می شود که دولت‌ها خود را مکلف به ارایه آن برای عموم اتباع خود می دانند. در این تحقیق تأکید اصلی بر آموزش عمومی و پوشش های بیمه ای بوده است.

شاخص ها برای سنجش این مفهوم عبارت بودند از "دسترسی پاسخ گویان به آموزش فنی و حرفه ای"، "شرکت در کلاس های نهضت سوادآموزی برای خود فرد و همسرش"، "بهره مندی پاسخ گویان از بیمه در دو حوزه تامین اجتماعی و بیمه های درمانی" که همه موارد به تفکیک برای قبل و بعد اشتغال در معدن و در قالب گویه های دو گزینه ای "بلی - خیر" مورد سنجش قرار گرفتند.

**امکانات بهداشتی و درمانی:** مقصود از این مفهوم بخشی از دسترسی های عمومی افراد در یک مکان مشخص است که برطرف کننده احتیاجات مرتبط با سلامتی آنهاست.

میزان بهره مندی روستاییان از امکانات بهداشتی و درمانی با ده شاخص ارزیابی شد: "میزان مراجعه به مرکز بهداشت"، "میزان مراجعه به درمانگاه یا بیمارستان"، "میزان مراجعه به مطب پزشک و دندان پزشک" (این موارد سه گانه با طیفی پنج گزینه ای (از "خیلی کم" تا "خیلی زیاد") سنجیده شد)، "میزان برخورداری روستاییان از حمام و توالت بهداشتی" و در نهایت "دسترسی پاسخ گویان به آب آشامیدنی سالم" (دو مورد اخیر در قالب گویه های دو گزینه ای "بلی - خیر" مورد سنجش قرار گرفتند). لازم به ذکر است هر یک از شاخص های فوق برای قبل و

بعد اشتغال در مجتمع مورد سؤال واقع شده‌اند.

**الگوی مصرف:** الگوی مصرف بیانگر نوع، شکل، کمیت و کیفیت مصرف توسط یک فرد، خانوار، سازمان و یا جامعه است. این الگو تحت تأثیر عوامل مختلفی چون فرهنگ، شرایط جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی و امکانات موجود در محل زندگی شکل می‌گیرد. در این تحقیق تغییر در الگوی مصرف در دو زیر گروه الگوی مصرف مواد غذایی (بر مبنای افزایش، کاهش و یا عدم تغییر در میزان مصرف انواع مواد غذایی در بعد از اشتغال نسبت به قبل آن) و الگوی مصرف کالاهای بادوام (بر اساس داشتن یا نداشتن کالاهای نام برده شده) شامل انواع لوازم خانگی و وسایل نقلیه) در قبل و بعد از اشتغال) مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است.

**امکانات رفاهی و زیربنایی:** این مفهوم اطلاق عام به کلیه تسهیلاتی دارد که در راستای رفع نیازهای مختلف زندگی به صورت عمومی در اختیار افراد یک مکان قرار دارد. برای بررسی و سنجش این مورد دسترسی راحت پاسخ‌گو به مجموعه ای شامل ۱۵ مورد مختلف از امکانات زیربنایی و رفاهی، در محل زندگی اش در قبل و بعد از اشتغال در مجتمع پرسیده شد که عبارت بودند از آب لوله کشی بهداشتی، برق، تلفن، حمام عمومی بهداشتی، مسجد، حسینیه، دبستان، راهنمایی، دبیرستان، خانه بهداشت، ماما، پزشک، فروشگاه، مرکز توزیع ارزاق دولتی، مراجعه آسان به مرکز بخش.

**اعتماد بین شخصی:** اعتماد بین شخصی در ذیل مفهوم کلی تر اعتماد اجتماعی قرار می‌گیرد و آن اعتمادی است که در متن کنشهای انسان نمود پیدا می‌کند، به خصوص در آن دسته از کنش‌ها که جهت‌گیری معطوف به آینده دارند. به تعبیر کلمن (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۹۷) چنین مقوله‌ای نوعی رابطه کیفی است که قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند.

اعتماد بین شخصی با چهار گویه که دو مورد آن مربوط به قبل و دو مورد برای بعد اشتغال بود سنجیده شد. موضوع این گویه‌ها دربرگیرنده "میزان روابط راحت و صمیمانه با دیگران" و "میزان اعتماد به اطرافیان در محل کار و زندگی" بود که بر اساس طیفی پنج‌گزینه ای (از "کاملاً موافقم" تا "کاملاً مخالفم") مورد ارزیابی قرار گرفت.

**(نگرش به) کیفیت زندگی:** کیفیت زندگی مفهومی بسیار انتزاعی است که ارایه تعریف مفهومی برای آن دشوار است. به طور کلی کیفیت زندگی ضمن دارا بودن ابعاد عینی و وابستگی به شرایط عینی و بیرونی، برخوردار از وجه ذهنی و درونی قوی است و در نهایت به تصورات و ادراک فرد از واقعیت‌های زندگی بستگی دارد.

در این تحقیق برای سنجش نگرش افراد نسبت به کیفیت زندگی از چهار شاخص استفاده شد: "وضعیت جسمانی"، "قدرت بدنی"، "وضعیت روحی و روانی" و "میزان لذت از زندگی" (بر مبنای بهبود، عدم تغییر و یا بدتر شدن وضعیت هر مورد در بعد از اشتغال نسبت به قبل آن).

### یافته‌ها

داده‌های گردآوری شده به وسیله پرسش‌نامه را می‌توان در دو قسمت مجزا مورد بررسی قرار داد. گروه اول داده‌هایی هستند که به منظور توصیف وضعیت عمومی پاسخ‌گویان جمع‌آوری شده‌اند و عمده‌ماهیتی عینی دارند (مانند سن، افراد تحت تکفل، سطح سواد، سابقه کار و...). گروه دوم شامل داده‌هایی می‌شود که هدف از گردآوری شان، بهره‌گیری از آن‌ها در راستای ارزیابی و توصیف تغییرات بوده‌است (از قبیل میزان درآمد، الگوی مصرف، میزان دسترسی به امکانات مختلف رفاهی و زیربنایی، اعتماد بین شخصی، رضایت و امنیت شغلی و نگرش نسبت به کیفیت زندگی در قبل و بعد از اشتغال صنعتی). در این قسمت تلاش شده‌است تا توصیف و تفسیری مناسب از داده‌های گروه دوم پس از توصیف عمومی پاسخ‌گویان، ارایه شود.

### ویژگی‌های عمومی پاسخ‌گویان

۱- سن: سن اکثر پاسخ‌گویان (نزدیک به ۷۴٪ آنها)، بین ۳۰ تا ۴۰ سال بوده‌است. حدود ۲۶٪ پاسخ‌گویان نیز بیش از ۴۰ سال داشته‌اند.

۲- افراد تحت تکفل: افراد تحت تکفل به تفکیک فرزند، همسر و پدر و مادر پرسیده شده‌است. نتایج حاکی از آن است که خانواده‌های روستا از نوع هسته‌ای بودند. ۴۳٫۳٪ پاسخ‌گویان کمتر از سه فرزند داشته‌اند. ۳۰٫۸٪ سه تا پنج فرزند و باقی پاسخ‌گویان بیش از پنج

فرزند داشته اند. موردی از ازدواج مجدد و یا نگهداری از پدر یا مادر در بین پاسخ گویان مشاهده نشد.

**۳- سطح سواد و تحصیلات:** سواد پاسخ گویان، عموماً در سطح پایینی قرار داشته است. این ادعا با توجه به افراد دارای سواد در حد راهنمایی و کمتر که شامل بیش از ۸۵٪ پاسخ گویان می شود، قابل اثبات است. همچنین باقی افراد به جز یک نفر که دارای فوق دیپلم بود سوادی در حد دیپلم داشته اند.

**۴- رده شغلی:** اکثریت پاسخ گویان را کارگران ساده تشکیل داده بودند (بیش از ۷۰٪). کارگران نیمه ماهر با ۲۷٪ در جایگاه دوم قرار داشته اند و کمتر از ۳٪ استادکار (کارگر ماهر) بوده اند.

**۵- وضعیت استخدامی:** بیش از ۶۰٪ پاسخ گویان به صورت رسمی در استخدام شرکت بوده اند و حدود ۴۰٪ به صورت قراردادی مشغول فعالیت بوده اند. شرکت در زمان انجام تحقیق کارگر روزمزد نداشت.

**۶- سابقه کار:** ۳۹ نفر از پاسخ گویان، معادل ۳۷,۵٪ کمتر از ۹ سال، ۲۸ نفر (حدود ۲۷٪) آن ها بین ۹ تا ۱۲ سال و مابقی بین ۱۳ تا ۱۵ سال سابقه کار داشته اند.

**۷- شغل قبلی:** اغلب پاسخ گویان پیش از اشتغال در معدن کشاورز بوده اند، یعنی حدود ۴۶٪ آن ها که به تفکیک شامل ۲۳٪ کشاورز با زمین اجاره ای، ۱۷,۳٪ کارگر مزد بگیر و ۵,۸٪ کشاورز مالک زمین است. در بین باقی افراد ۲۶٪ کارگر خدماتی، ۲۰,۲٪ دامدار و ۷,۷٪ کارگر صنعتی - معدنی بوده اند.

**۸- محل سکونت فعلی:** اکثریت کارگران (حدود ۵۵٪) علاوه بر روستای معدن، محل سکونت فعلی خود را روستایی دیگر ذکر کرده اند. همچنین ۳۳٪ پاسخ گویان بیان داشته اند که در حال حاضر سکونت هم زمانی در روستای معدن و شهر دارند. باقی افراد نیز صرفاً در همان روستای معدن سکونت داشته اند.

### بررسی و توصیف تغییرات اقتصادی اجتماعی در زندگی روستاییان

۱- میزان درآمد: بنا بر نتایج حاصل درآمد اکثریت مطلق کارگران (حدود ۹۶٪ آنها) قبل از اشتغال در حد کم و خیلی کم بوده است. در حالی که بعد از اشتغال در معدن قریب به ۹۵٪ پاسخگویان درآمدی در حد متوسط و زیاد داشته اند (جدول شماره (۲)).

#### جدول شماره ۲- میزان درآمد تقریبی ماهیانه کارگران قبل و بعد از اشتغال در معدن

بعد از اشتغال در معدن		قبل از اشتغال در معدن		میزان درآمد
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰	۰	۶۳,۵	۳۳	خیلی کم
۰	۰	۳۳,۷	۳۵	کم
۵۰,۰	۵۲	۲,۹	۳	متوسط
۴۴,۲	۴۶	۰	۰	زیاد
۵,۸	۶	۰	۰	خیلی زیاد
۱۰۰,۰	۱۰۴	۱۰۰,۰	۱۰۴	جمع کل

بر طبق داده های جدول شماره (۳) نیز خود کارگران عنوان کرده اند که قبل از اشتغال غالباً با کمبود شدید مالی روبه رو بوده اند، ولی هم اکنون وضعیت آنها به مراتب بهتر شده است و اکثریت آنها (۸۶٪) از عهده هزینه های زندگی خود برمی آیند.



## جدول شماره (۳) - مقایسه درآمد کارگران با هزینه های زندگی، قبل و بعد اشتغال در مجتمع

مقوله ها		درآمد سابق		درآمد فعلی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
کاملاً کفاف می کرد	۲	۱,۹٪	۱۵	۱۴,۴٪	
تقریباً کفاف می کرد	۱۴	۱۳,۵٪	۷۱	۶۸,۳٪	
غالباً کمبود پول داشتم	۶۹	۶۶,۳٪	۱۶	۱۵,۴٪	
اغلب مشکل شدید مالی داشتم	۱۹	۱۸,۳٪	۲	۱,۹٪	

۲- **تنوع درآمدی:** شاخص های به کار گرفته شده برای سنجش این بعد از تغییرات شامل سه مورد و به تفکیک برای قبل و بعد از اشتغال بوده است. در مورد شاخص فعالیت کشاورزی و دامداری به عنوان شغل جانبی، داده های جدول شماره (۴) نشان دهنده کاهش شدید این گونه فعالیت ها برای آن دسته از پاسخ گویان که شغل اصلی آن ها کشاورزی نبوده است، در بعد اشتغال در معدن می باشد. شاخص فعالیت درآمدزای زنان نیز فرآیند مشابهی را نشان می دهد. در مورد فعالیت های اقتصادی غیر کشاورزی به عنوان فعالیت جانبی، موارد ذکر شده قبل و بعد اشتغال هر دو ناچیز است.

## جدول شماره (۴) - فعالیت های اقتصادی به عنوان شغل جانبی

نوع فعالیت	قبل از اشتغال	بعد از اشتغال
	در معدن	در معدن
فعالیت های کشاورزی و دامداری به عنوان شغل جانبی	۳۱	۱۲
	۲۹,۸	۱۱,۵
	درصد	درصد
فعالیت های اقتصادی دیگر به عنوان شغل جانبی	۸	۶
	۷,۷	۵,۸
	درصد	درصد
فعالیت درآمدزای همسر	۷۵	۲۴
	۷۲,۱	۲۳,۱
	درصد	درصد

از یافته‌های فوق می‌توان چنین برداشت کرد که قبل از اشتغال صنعتی پاسخ‌گویان دارای منابع درآمدی متنوع‌تری بوده‌اند. هر چند که میزان درآمد حاصل از این فعالیت‌ها در سطح پایین و خیلی پایین قرار داشته‌است (جدول شماره ۵). این در حالی است که بعد از اشتغال صنعتی، تنوع در منابع درآمدی افراد کاهش قابل ملاحظه یافته‌است و در اغلب موارد به همان شغل اصلی سرپرست خانوار محدود شده‌است.

### جدول شماره (۵) - میزان تقریبی درآمد از فعالیت‌های اقتصادی جانبی

مقوله‌ها		قبل از اشتغال در معدن		بعد از اشتغال در معدن	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
خیلی کم	۵۴	۶۲,۸٪	۱۸	۴۷,۴٪	
کم	۲۳	۲۶,۷٪	۱۶	۴۲,۱٪	
متوسط	۹	۱۰,۵٪	۴	۱۰,۵٪	
زیاد	۰	۰	۰	۰	
خیلی زیاد	۰	۰	۰	۰	
جمع کل	۸۶	۱۰۰٪	۳۸	۱۰۰٪	

نتایج حاصل از این قسمت با پیش فرض تنوریک موجود مبنی بر نقش مثبت افزایش درآمد ناشی از اشتغال صنعتی روستاییان در تنوع بخشی به فعالیت‌های درآمدزا (به ویژه در زمینه کشاورزی)، همخوانی ندارد.

۳- امنیت شغلی: متغیر امنیت شغلی با میزان اطمینان کارگران نسبت به ثبات شغلی عملیاتی شده‌است. بررسی داده‌های جدول شماره (۶) نشان دهنده افزایش قابل ملاحظه امنیت شغلی

روستاییان بعد از اشتغال در معدن است. به طوری که بعد از اشتغال احساس امنیت شغلی در بیش از ۳۶٪ پاسخ گویان در حد بالایی بوده است در حالی که این رقم برای قبل از اشتغال ۴٪ می باشد. همچنین سهم پاسخ گویانی که به میزان متوسط از این احساس بهره مند بوده اند از ۱۶٪ در قبل اشتغال به ۴۹٪ در بعد اشتغال افزایش یافته است.

#### جدول شماره (۶) - میزان اطمینان کارگران به ثبات شغلی قبل و بعد اشتغال

اطمینان به ثبات شغلی بعد از اشتغال در معدن		اطمینان به ثبات شغلی قبل از اشتغال در معدن		مقوله ها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵,۸٪	۶	۵۴,۸٪	۵۷	خیلی کم
۹,۶٪	۱۰	۲۶,۰٪	۲۷	کم
۴۷,۱٪	۴۹	۱۵,۴٪	۱۶	تاحدودی
۲۹,۸٪	۳۱	۳,۸٪	۴	زیاد
۷,۷٪	۸	۰	۰	خیلی زیاد

**۴- رضایت شغلی:** میزان رضایت شغلی با شاخص های «کیفیت محیط کار از دید پاسخ گویان» و «میزان علاقه به کار» برای قبل و بعد اشتغال در مجتمع سنجیده شده است. بنا بر نتایج به دست آمده در مورد شاخص «کیفیت محیط کار» مشاهده می شود که قریب به ۷۰٪ از پاسخ گویان شرایط و وضعیت محیط کار خود را در حد خوب و بسیار خوب توصیف کرده اند که در مقایسه با ۳۱٪ قبل از اشتغال حکایت از رشد قابل توجه در رضایت شغلی کارگران بعد از اشتغال در معدن دارد (جدول شماره (۷)).

## جدول شماره (۷) - کیفیت (شرایط و وضعیت) محیط کار از دید پاسخ گویان،

## قبل و بعد اشتغال در معدن

مقوله ها	قبل از اشتغال در معدن		بعد از اشتغال در معدن	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بسیار بد	۲۰	۱۹,۲٪	۳	۲,۹٪
بد	۵۳	۵۱,۰٪	۲۱	۲۰,۲٪
متوسط	۰	۰	۰	۰
خوب	۲۵	۲۴,۰٪	۶۱	۵۸,۷٪
بسیار خوب	۶	۵,۸٪	۱۹	۱۸,۳٪

در زمینه شاخص «علاقه به شغل» هم نتایج مشابهی به دست آمده است به طوری که علاقه زیاد از ۲۰٪ در قبل اشتغال به حدود ۶۵٪ در بعد اشتغال افزایش یافته است (جدول شماره ۸)).

## جدول شماره (۸) - میزان علاقه به شغل در بین پاسخ گویان، قبل و بعد اشتغال در معدن

مقوله ها	علاقه به کار قبل از اشتغال در معدن		علاقه به کار بعد از اشتغال در معدن	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی کم	۲۹	۲۷,۹٪	۶	۵,۸٪
کم	۵۴	۵۱,۹٪	۳۱	۲۹,۸٪
متوسط	۰	۰	۰	۰
زیاد	۲۱	۲۰,۲٪	۵۰	۴۱,۱٪
خیلی زیاد	۰	۰	۱۷	۱۶,۳٪

۵- **گرایش به مهاجرت:** در بررسی تغییرات صورت گرفته در زمینه گرایش به مهاجرت، پاسخ های ارابه شده به سه طبقه تقلیل داده شد تا امکان مقایسه روشن تر فراهم گردد. مقایسه

داده‌های جداول شماره (۹) و (۱۰) این مطلب را نشان می‌دهد که تمایل به مهاجرت بعد از اشتغال سرپرست خانوار، در هر سه مورد افزایش یافته‌است. به نظر می‌رسد این افزایش در مورد فرزندان شدیدتر از والدین آن‌ها بوده باشد.

#### جدول شماره (۹) - میزان تمایل به زندگی در روستا قبل اشتغال سرپرست خانواده در معدن

مقوله‌ها	تمایل شما به روستا قبل از اشتغال در معدن		تمایل همسر قبل از اشتغال در معدن		تمایل فرزندان قبل از اشتغال در معدن	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین	۳۰	۲۸,۸٪	۳۶	۳۴,۶٪	۶۳	۶۰,۶٪
متوسط	۹	۸,۷٪	۱۴	۱۳,۵٪	۱۳	۱۲,۵٪
بالا	۶۵	۶۲,۵٪	۵۴	۵۱,۹٪	۲۸	۲۶,۹٪

#### جدول شماره (۱۰) - میزان تمایل به زندگی در روستا بعد اشتغال سرپرست خانواده در معدن

مقوله‌ها	تمایل شما به روستا بعد از اشتغال در معدن		تمایل همسر بعد از اشتغال در معدن		تمایل فرزندان بعد از اشتغال در معدن	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین	۳۷	۳۵,۶٪	۴۴	۴۲,۳٪	۷۵	۷۲,۱٪
متوسط	۲۵	۲۴,۰٪	۲۶	۲۵,۰٪	۱۲	۱۱,۵٪
بالا	۴۲	۴۰,۴٪	۳۴	۳۲,۷٪	۱۷	۱۶,۳٪

در مورد محل مورد نظر پاسخ‌گویان برای زندگی پس از بازنشستگی نیز از جدول فراوانی مربوط، گرایش به مهاجرت در صورت فراهم بودن شرایط قابل استنباط است. به طوری که بیش از ۵۲٪ افراد بیان داشته‌اند که در پی زندگی در شهر هستند. ولی در مقابل تنها ۱۲,۵٪ ترجیح داده‌اند که به زندگی در روستا ادامه دهند (جدول شماره (۱۱)).

## جدول شماره (۱۱) - تقسیم بندی پاسخ گویان بر حسب محل مورد نظر برای سکونت در بازنشستگی

مقوله ها	فراوانی	درصد
روستا	۱۳	۱۲.۵
شهر	۵۴	۵۱.۹
هنوز تصمیم نگرفته ام	۳۷	۳۵.۶
جمع کل	۱۰۴	۱۰۰.۰

در تحلیل نهایی می توان افزایش در گرایش به مهاجرت را در بعد از اشتغال صنعتی پاسخ گویان مورد تأکید قرار داد.

**۶- خدمات اجتماعی همگانی:** برای سنجش میزان برخورداری پاسخ گویان از خدمات اجتماعی همگانی، سه شاخص دست‌رسی به آموزش فنی و حرفه‌ای، شرکت در کلاس‌های نهضت سوادآموزی برای خود فرد و همسرش و میزان برخورداری از پوشش‌های بیمه‌ای، به تفکیک در قبل و بعد از اشتغال در معدن مورد بررسی قرار گرفت.

مطابق جدول فراوانی مربوط به شاخص «برخورداری از آموزش فنی و حرفه‌ای»، پیش از اشتغال در مجتمع تنها سه نفر (معادل ۲.۹٪ کل پاسخ گویان) آموزش‌هایی از این نوع را فرا گرفته‌بوده‌اند در حالی که این میزان بعد از اشتغال صنعتی به حدود ۱۵.۵٪ رسیده‌است که افزایش قابل توجهی را نشان می‌دهد (جدول شماره (۱۲)).

## جدول شماره (۱۲) - برخورداری از آموزش فنی و حرفه ای، قبل و بعد اشتغال در معدن

آموزش فنی بعد از اشتغال در معدن		آموزش فنی قبل از اشتغال در معدن		مقوله ها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۸۴,۶٪	۸۸	۹۷,۱٪	۱۰۱	فاقد آموزش
۱۵,۴٪	۱۶	۲,۹٪	۳	دارای آموزش

در مورد شرکت در کلاس های نهضت سواد آموزی هم داده های مربوط نشان دهنده افزایش میزان برخورداری از این کلاس ها در بعد از اشتغال، هم برای پاسخ گویان و هم برای همسرانشان است. البته در مورد زنان این افزایش به مراتب چشمگیرتر بوده است. به گونه ای که از حدود ۷٪ به بیش از ۷۰٪ در بعد از اشتغال همسرانشان ارتقاء یافته است (جدول شماره (۱۳)).

## جدول شماره (۱۳) - شرکت پاسخ گو و همسر وی در کلاس های نهضت سوادآموزی

شرکت شما در کلاس نهضت قبل از اشتغال		شرکت شما در کلاس نهضت بعد از اشتغال		شرکت همسر در کلاس نهضت قبل از اشتغال		شرکت همسر در کلاس نهضت بعد از اشتغال		مقوله ها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴,۸	۵	۱۷,۳	۱۸	۶,۷	۷	۷۰,۲	۷۳	بلی
۹۵,۲	۹۹	۸۲,۷	۸۶	۹۳,۳	۹۷	۲۹,۸	۳۱	خیر

با توجه به موارد فوق می توانیم مدعی افزایش بهره مندی پاسخ گویان از خدمات آموزشی بعد از اشتغال در مجتمع باشیم. از منظر جامعه شناختی، این تحول (ارتقاء سطح بهره مندی از آموزش) می تواند منشاء دگرگونی های چندی از قبیل تغییر دیدگاه افراد نسبت به شیوه زندگی، بالا رفتن انتظارات و در عین حال ارتقاء توانمندی و افزایش در قدرت انطباق پذیری افراد در زندگی فردی و اجتماعی آنها بشود.

بر اساس داده های حاصل، مشخص شد بعد از اشتغال صنعتی، تعداد افرادی که تحت پوشش تامین اجتماعی و درمانی قرار گرفته اند تا ۱۰۰٪ افزایش یافته است در حالی که پیش از اشتغال میزان برخورداری از این بیمه ها به ترتیب ۴,۸٪ و ۱۷,۳٪ بوده است.

**۷- امکانات بهداشتی و درمانی:** درباره تغییرات در زمینه برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی، با بررسی جداول فراوانی به آسانی مشخص می شود تعداد مراجعات افراد به مراکز درمانی به طور چشمگیری افزایش یافته است. به گونه ای که آماره مد برای مراجعه به مرکز بهداشت از «خیلی کم» در قبل از اشتغال به «زیاد» در بعد از اشتغال تغییر کرده است. برای دو شاخص دیگر این تغییر از «خیلی کم» به «کم» بوده است (جدول شماره (۱۴)).

#### جدول شماره (۱۴) - میزان مراجعه به مراکز بهداشتی و درمانی قبل و بعد از اشتغال

میزان مراجعه		مراجعه به خانه بهداشت				مراجعه به درمانگاه یا بیمارستان				مراجعه به پزشک یا دندان پزشک			
		قبل از اشتغال		بعد از اشتغال		قبل از اشتغال		بعد از اشتغال		قبل از اشتغال		بعد از اشتغال	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
(خیلی کم)	سالی دو بار	48.1%	50	1.0%	1	78.8%	82	۳,۸%	۴	79.8%	83	13.5%	14
(کم)	سالی سه یا چهار بار	29.8%	31	.	.	19.2%	20	55.8%	58	19.2%	20	51.0%	53
(متوسط)	هر دو ماه یک بار	21.2%	22	5.8%	6	1.9%	2	40.4%	42	1.0%	1	35.6%	37
(زیاد)	دو بار در ماه	1.0%	1	89.4%	93	.	.	.	.	.	.	.	.
(خیلی زیاد)	هفته ای یک بار	.	.	3.8%	4	.	.	.	.	.	.	.	.

در مورد برخورداری روستاییان از حمام و سرویس بهداشتی در منزل، نیز بر طبق داده های حاصل می توان نتیجه گرفت که افزایش رخ داده در بعد از اشتغال در حد زیادی بوده است. به



نحوی که برای توالی از ۳۷,۵٪ در قبل از اشتغال به ۱۰۰٪ در بعد از اشتغال و برای حمام از ۱٪ (فقط یک نفر) به ۲۰,۲٪ افزایش یافته است.

همچنین در حال حاضر همه پاسخ گویان به آب آشامیدنی دسترسی دارند، در حالی که پیش از اشتغال در معدن حدود ۳۶٪ آن‌ها از این موهبت بهره مند بوده اند.

**۸- الگوی مصرف:** در این تحقیق الگوی مصرف در دو زیر گروه الگوی مصرف مواد غذایی و الگوی مصرف کالاهای بادوام مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است. در مورد الگوی مصرف مواد غذایی داده های به دست آمده حکایت از افزایش مصرف در اغلب گروه های مواد غذایی مورد سنجش در بعد از اشتغال داشته است. در این میان افزایش مصرف گوشت قرمز، مرغ، برنج و سبزیجات، روغن نباتی، لبنیات و تنقلات نسبت به باقی مواد بیشتر بوده است. در مورد مصرف انواع نان، ماهی و انواع کنسرو اغلب پاسخ گویان عدم تغییر در میزان مصرف را عنوان کرده اند. تنها درباره روغن حیوانی کاهش در مصرف را شاهد بوده ایم (جدول شماره (۱۵)).

**جدول شماره (۱۵)- الگوی مصرف مواد غذایی در حال حاضر نسبت به قبل از اشتغال در معدن**

ماده غذایی		افزایش	کاهش	بدون تغییر	ماده غذایی		افزایش	کاهش	بدون تغییر
انواع نان	فراوانی	۱۶	۴	۸۴	روغن حیوانی	فراوانی	۳۱	۴۶	۲۷
	درصد	۱۵,۴٪	۳,۸٪	۸۰,۸٪		درصد	۲۹,۸٪	۴۴,۲٪	۲۶,۰٪
گوشت قرمز	فراوانی	۷۹	۵	۲۰	میوه سبزی و سیب زمینی	فراوانی	۸۱	۲	۲۱
	درصد	۷۶,۰٪	۴,۸٪	۱۹,۲٪		درصد	۷۷,۹٪	۱,۹٪	۲۰,۲٪
مرغ	فراوانی	۷۶	۴	۲۴	حیوانات	فراوانی	۶۲	۲	۴۰
	درصد	۷۳,۱٪	۳,۸٪	۲۳,۱٪		درصد	۵۹,۶٪	۱,۹٪	۳۸,۵٪
ماهی	فراوانی	۳۱	۲	۷۱	لبنیات	فراوانی	۹۵	۵	۴
	درصد	۲۹,۸٪	۱,۹٪	۶۸,۳٪		درصد	۹۱,۳٪	۴,۸٪	۳,۸٪
برنج	فراوانی	۹۹	۳	۲	انواع کنسرو	فراوانی	۳۶	۷	۶۱
	درصد	۹۵,۳٪	۲,۹٪	۱,۹٪		درصد	۳۴,۶٪	۶,۷٪	۵۸,۷٪
روغن نباتی	فراوانی	۹۴	۶	۴	تنقلات	فراوانی	۹۷	۲	۵
	درصد	۹۰,۴٪	۵,۸٪	۳,۸٪		درصد	۹۳,۳٪	۱,۹٪	۴,۸٪

در دسته دوم الگوی مصرف کالاهای بادوام مورد توجه قرار گرفته است. که خود شامل دو بخش لوازم خانگی و وسایل نقلیه بوده است. با مقایسه جداول فراوانی مربوط به قبل و بعد از اشتغال ملاحظه می شود که در قسمت لوازم خانگی، ضمن افزایش در مصرف اکثریت قریب به

اتفاق کالاها، استفاده از وسایلی مانند تلویزیون رنگی، یخچال و چرخ خیاطی بیشتر از سایر موارد افزایش یافته است. در بین وسایل نقلیه کاهش محسوس در تملک دوچرخه، افزایش نسبی در مورد موتور سیکلت و در نهایت افزایش چشمگیری در بهره‌مندی از اتومبیل برای بعد از اشتغال مشاهده می‌شود (جدول شماره (۱۶)).

در مجموع و با توجه به روند تغییرات شاخص‌های فوق در بعد از اشتغال صنعتی، برای الگوی مصرف می‌توان این‌گونه اظهار داشت که در دوره زمانی قبل و بعد از اشتغال صنعتی الگوی مصرف روندی رو به بهبود را به خود دیده است. به نحوی که در اکثریت مطلق موارد شاهد مصرف بیشتر در بعد از اشتغال بوده ایم.

#### جدول شماره (۱۶) - الگوی مصرف کالاهای بادوام، قبل و بعد از اشتغال در معدن

		قبل از اشتغال		بعد از اشتغال		قبل از اشتغال		بعد از اشتغال	
نام کالا		نداشتم	داشتم	ندارم	دارم	نداشتم	داشتم	نداشتم	دارم
راديو	فراوانی	24	80	18	86	4.8%	95.2%	15	99
	درصد	23.1%	76.9%	17.3%	82.7%	14.4%	85.6%	89	5
ضبط و پخش	فراوانی	48	56	25	79	0	100.0%	0	38
	درصد	46.2%	53.8%	24.0%	76.0%	0	100.0%	104	66
تلویزیون سیاه و سفید	فراوانی	87	17	90	14	7	93.3%	97	۱۹
	درصد	83.7%	16.3%	86.5%	13.5%	6.7%	93.3%	97	۸۵
تلویزیون رنگی	فراوانی	100	4	6	98	58	44.2%	46	10
	درصد	96.2%	3.8%	5.8%	94.2%	55.8%	44.2%	46	94
چرخ خیاطی	فراوانی	80	24	36	68	56	46.2%	48	89
	درصد	76.9%	23.1%	34.6%	65.4%	53.8%	46.2%	48	15
اجاق گاز	فراوانی	98	6	4	100	6	98%	98	51
	درصد	94.2%	5.8%	3.8%	96.2%	5.8%	94.2%	98	53

### ۹- امکانات رفاهی و زیربنایی: نتایج بررسی ها و مشاهدات محقق بیانگر بهره مندی

روستاییان از کلیه موارد در نظر گرفته شده به عنوان امکانات رفاهی و زیربنایی، در طول سال های بعد از اشتغال بوده است. هر چند در معدودی موارد مانند تلفن و پزشک عمومی این بهره مندی مربوط به چند سال اخیر است، اما در اکثریت موارد از همان ابتدای اشتغال امکانات مورد تحقیق در دسترس بوده است. در حالی که بر اساس داده های ارائه شده در جدول شماره (۱۷) قبل از اشتغال در معدن اغلب پاسخ گویان از دسترسی به مواردی همچون برق، تلفن، آب بهداشتی، مدارس راهنمایی و دبیرستان، ماما و پزشک عمومی و مرکز توزیع ارزاق دولتی محروم بوده اند. در عین حال که بیش از ۵۷٪ آن ها عنوان داشته اند که به آسانی امکان مراجعه به مرکز بخش و یا شهر را برای رفع نیازهای مختلف خود نداشته اند.

### جدول شماره (۱۷) - میزان برخورداری پاسخ گویان از امکانات رفاهی و زیربنایی، قبل از

#### اشتغال در معدن

۱۰	فراوانی	دبیرستان	۶۲	فراوانی	آب بهداشتی
۹.۶٪	درصد		۵۹.۶٪	درصد	
۵۸	فراوانی	خانه بهداشت	۳۶	فراوانی	برق
۵۵.۸٪	درصد		۳۴.۶٪	درصد	
۱۳	فراوانی	ماما	۸	فراوانی	تلفن
۱۲.۵٪	درصد		۷.۷٪	درصد	
۱۵	فراوانی	پزشک	۶۶	فراوانی	حمام عمومی
۱۴.۴٪	درصد		۶۳.۵٪	درصد	
۶۹	فراوانی	فروشگاه	۷۷	فراوانی	مسجد
۶۶.۳٪	درصد		۷۴.۰٪	درصد	
۲۹	فراوانی	مرکز توزیع	۱۸	فراوانی	حسینیه
۲۷.۹٪	درصد	ارزاق دولتی	۱۷.۳٪	درصد	
۴۴	فراوانی	مراجعه به	۸۱	فراوانی	دبستان
۴۲.۷٪	درصد	مرکز بخش	۷۷.۹٪	درصد	
			۲۷	فراوانی	راهنمایی
			۲۶.۰٪	درصد	

### ۱۰- اعتماد بین شخصی: از داده های جدول شماره (۱۸) که مربوط به سطح بندی اعتماد بر

اساس مجموع پاسخ های افراد برای قبل و بعد از اشتغال است، می توان این گونه استنباط کرد که میزان اعتماد اکثر پاسخ گویان قبل از اشتغال در حد متوسط و بالا بوده است و این میزان تقریباً در بعد اشتغال ثابت مانده است.

## جدول شماره (۱۸) - سطح اعتماد بین شخصی پاسخ‌گویان در قبل و بعد از اشتغال

سطح اعتماد		قبل اشتغال		بعد اشتغال	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
پایین	۲۴	۲۳,۱	۲۸	۲۶,۹	
متوسط	۴۱	۳۹,۴	۴۵	۴۳,۳	
بالا	۳۹	۳۷,۵	۳۱	۲۹,۸	

۱۱- (نگرش به) کیفیت زندگی: برای بررسی تغییرات در "نگرش به کیفیت زندگی" از چهار شاخص استفاده شده است. داده‌های حاصل در مورد دو شاخص وضعیت جسمانی، و قدرت بدنی افت محسوس را از دید پاسخ‌گویان در بعد از اشتغال صنعتی نشان می‌دهد. در شاخص «وضعیت روحی و روانی» نیز نتایج بیانگر افت مشخص، اما در سطح پایین‌تر نسبت به دو شاخص قبل است. در مورد شاخص چهارم آماره مد برای پاسخ‌ها گزینه «عدم تغییر در قبل و بعد از اشتغال» است (جدول شماره ۱۹).

## جدول شماره (۱۹) - تغییرات در نگرش پاسخ‌گویان نسبت به کیفیت زندگی

## (قبل از اشتغال در معدن در مقایسه با بعد از آن)

گروه‌ها	بهتر بود	تفاوتی نداشت	بدتر بود
وضعیت جسمانی	فراوانی	28	1
	درصد	26.9%	1.0%
وضعیت روحی روانی	فراوانی	50	2
	درصد	48.1%	1.9%
قدرت بدنی	فراوانی	35	2
	درصد	33.7%	1.9%
لذت از زندگی	فراوانی	44	31
	درصد	42.3%	29.8%

برای مقایسه کلی نگرش پاسخ گویان نسبت به کیفیت زندگی در قبل و بعد اشتغال، سطح بندی ارائه شده در جدول شماره (۲۰) بر مبنای امتیاز دهی به گزینه های سه گانه پاسخ ها، صورت پذیرفته است. بررسی داده های جدول شماره (۲۳)، منفی تر شدن نگرش نسبت به کیفیت زندگی در بعد از اشتغال را نتیجه می دهد.

**جدول ۲۰: نگرش پاسخ گویان نسبت به کیفیت زندگی**

کیفیت زندگی	فراوانی	درصد
پایین تر از قبل	60	57.7%
تقریباً مشابه قبل	43	41.3%
بالاتر از قبل	1	1.0%

### بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر در راستای مطالعه اثرات اجتماعی اقتصادی استقرار صنعت در روستاها با تکیه بر رویکرد توسعه پایدار بود که بخش ویژه ای از آن به بررسی تغییرات اقتصادی اجتماعی حاصل از فعالیت در مجتمع صنعتی معدنی مس قلعه زری در زندگی شاغلان روستایی آن، اختصاص یافت. نتایج این تحقیق ضمن تأیید برخی از مدعیات نظری در ارتباط با موضوع اثرات استقرار صنعت بر زندگی روستائیان (جدول شماره (۱)) حاوی نکات جالب توجهی نیز بود که کم و بیش با مواردی از تأکیدات نظری مذکور هم خوانی نداشت. نتایج نشان دهنده ارتقاء قابل توجه کمیت و کیفیت درآمد روستائیان مورد بررسی بود. ارتقاء کمی ناظر بر افزایش مطلق درآمد و بهبود کیفی بیانگر کفاف درآمدی است (جدول شماره (۲) و (۳)). در عین حال برخلاف نتایج آشکار شده در بسیاری از تحقیقات مشابه (برای نمونه جانستون، ۱۳۷۹، زو، ۲۰۰۳ و گودلند، ۲۰۰۶)، میزان تنوع در منابع درآمدی پاسخ گویان کاهش یافته بود (جدول شماره (۴)). این کاهش به ویژه در دو مورد قابل ملاحظه بود: پرداختن به فعالیت های کشاورزی و دامداری به عنوان شغل جانبی و فعالیت های درآمدزای همسر. مورد اول را می توان با توجه به اشتغال تمام وقت افراد در مجتمع و کمبود وقت برای فعالیت های مذکور توجیه کرد ضمن آنکه باید توجه داشت اقلیم منطقه ای که مجتمع

در آن واقع شده است، چندان برای اشتغال به فعالیت های کشاورزی مساعد نیست و کسانی هم که همچنان پیگیر این فعالیت ها هستند، در مکان ها و روستاهای دیگری بدان اشتغال دارند. درباره فعالیت های درآمدزای زنان نیز عمده این فعالیت ها پیش از اشتغال همسر در معدن دربرگیرنده قالی بافی و در موارد معدودی اشتغال های پاره وقت بوده است در حالی که در وضعیت جدید اولاً عدم نیاز مادی خانوار به این گونه اشتغالات و از طرف دیگر نیاز بیشتر به وقت آزاد برای رسیدگی به امور خانه داری و نیز کمبود فضا برای فعالیت هایی نظیر قالی بافی در واحدهای مسکونی موجود، از زمینه های سابقاً موجود برای فعالیت های درآمدزای زنان تا حد زیادی کاسته است. نکته حائز اهمیت دیگر در اینجا درآمدزایی اندک فعالیت های جانبی اقتصادی در پیش از اشتغال صنعتی در عین رواج بیشتر این فعالیت ها در آن زمان، نسبت به بعد از اشتغال است (جدول شماره (۵)). این موضوع نیز می تواند نشانه ای از این واقعیت باشد که هرچند گرایش به تنوع متاثر از میزان درآمد شغل اصلی افراد بوده اما جهت این اثرگذاری بر خلاف نظریات طرح شده در این رابطه بوده است. زیرا در اینجا درآمد کافی از تمایل به تنوع بخشی به فعالیت ها در بین روستائیان کاسته است. مورد اخیر حتی با نتیجه به دست آمده در مورد دو شاخص امنیت شغلی و رضایت شغلی نیز می تواند در تناظر قرار گیرد. از آنجا که مشاهدات و توصیفات صورت گرفته، مؤید تغییر در جهت بهبود شرایط شغلی پاسخ گویان (از حیث میزان احساس امنیت و رضایت شغلی) در بعد از اشتغال در مجتمع نسبت به قبل از آن بوده است (جداول شماره (۶) و (۷) و (۸))، بنابراین انتظار می رود که دلبستگی به کار فعلی و احساس کفایت در این زمینه، اقدام به فعالیت های شغلی جانبی را برای افراد فاقد جذابیت سازد.

همان گونه که در تعدادی از تحقیقات دیگر مشخص شده است (برای نمونه: ماجدی، ۱۳۷۳ و مرادی، ۱۳۸۴)، نتایج این تحقیق نیز نشان داد که صرف ایجاد فرصت های شغلی صنعتی در مناطق روستایی و برای روستائیان، نه تنها گرایش به مهاجرت را کم نمی کند بلکه به تبع توانمندسازی اقتصادی و ایجاد دسترسی های لازم برای افراد، سطح آن را افزایش نیز می دهد (جداول شماره (۹)، (۱۰) و (۱۱)). البته محتمل است که سرعت جریان مهاجرت روستا-شهری به دنبال ایجاد اشتغال صنعتی در محیط های روستایی کند شود. درباره روستای مورد مطالعه نیز به نظر می رسد

تأثیر اشتغال صنعتی بر روی مهاجرت بیشتر از همین جنبه تأخیراندازی آن قابل توجه بوده است. از سوی دیگر بر اساس نتایج حاصل، میزان عدم تمایل فرزندان پاسخ‌گویان به زندگی در روستا علاوه بر آنکه در کل حدود دو برابر والدیشان بوده است، در وضعیت اخیر و نسبت به دوره قبل از اشتغال صنعتی پدرانشان نیز با نرخى بیش از میزان متناظر مربوط به والدین، در جهت منفی تر شدن (یعنی کاهش یافتن میزان تمایل به زندگی در روستا) تغییر نموده است (جدول شماره ۹) و (۱۰)). این مسأله نشان دهنده اهمیتی است که در رویکردی واقع بینانه، آماده سازی روستائیان (به ویژه کودکان و در محیط‌هایی همچون مدرسه)، جهت تغییر محل سکونت و شیوه زندگی‌شان در پی دست زدن به مهاجرت دارد تا از عوارض منفی مهاجرت، چه برای مهاجرین و چه برای مناطق مهاجرپذیر (شهری) تا حد امکان کاسته شود.

در بین دیگر موارد بررسی شده، اشتغال صنعتی تغییرات مثبتی را بر روی میزان برخورداری روستائیان از خدمات اجتماعی همگانی (به ویژه آموزش عمومی و بیمه‌های درمانی و بازنشستگی) (جدول شماره ۱۳))، امکانات بهداشتی و درمانی (جدول شماره ۱۴)) و امکانات رفاهی و زیربنایی (جدول شماره ۱۷)) داشته است. همچنین در مجموع موجب بهبود کمی و ارتقاء سطح مصرف انواع مواد غذایی و کالاهای مصرفی بادوام در بین آنها شده است (جدول شماره ۱۵) و (۱۶)).

در بررسی‌های انجام شده پیرامون تغییر در میزان اعتماد بین شخصی، مشخص گردید که سطح این شاخص بعد از اشتغال صنعتی روستائیان نسبت به قبل آن، تغییر چندانی ننموده و تقریباً در هر دو وضعیت در حد متوسط و بالا بوده است (جدول شماره ۱۸)). این عدم تغییر را می‌توان به عدم تغییر در ماهیت روستایی- سنتی زندگی پاسخ‌گویان در قبل و بعد از اشتغال در مجتمع مذکور نسبت داد. البته اثبات چنین ادعایی نیازمند کار تحقیقی بیشتر در این زمینه است.

آخرین شاخص ارزیابی شده در این تحقیق، میزان و جهت تغییر در نگرش روستائیان نسبت به کیفیت زندگی به تبع اشتغال در مجتمع صنعتی معدنی مورد مطالعه بود. ماحصل بررسی این مورد نیز بیش و کم دربرگیرنده نتایجی متفاوت با برخی از منابع و تحقیقات پیشین بود (به عنوان مثال: دربان آستانه، ۱۳۸۴ و طاهرخانی، ۱۳۷۹). تحلیل داده‌های موجود منفی تر شدن نگرش روستائیان

نسبت به کیفیت زندگی در بعد از اشتغال صنعتی را نتیجه می دهد (جداول شماره (۱۹) و (۲۰)). این امر تا حد زیادی می تواند مرتبط با ماهیت اشتغال صنعتی ایجاد شده در این منطقه (فعالیت معدن کاری) باشد که ضمن درآمدزایی نسبتاً مناسب، معمولاً تحلیل برنده سلامت جسمی، قدرت بدنی و در مواردی سلامت روحی و روانی افراد است. در عین حال عدم آگاهی کافی افراد در چگونه بهره بردن از مواهب مادی در اختیارشان (به ویژه در زمینه بهره مندی از تفریحات و سرگرمی های سالم) می تواند در ارزیابی منفی آنها از میزان لذت از زندگی و به تبع آن منفی تر شدن نگرش شان نسبت به کیفیت زندگی مؤثر باشد.

بر مبنای آنچه بیان شد، خلاصه ای از تغییرات اقتصادی و اجتماعی حاصل در زندگی روستائیان در مجتمع صنعتی و معدنی مورد بررسی، به تبع استقرار صنعت و اشتغال آنها در آن، در تصویر زیر آمده است.



به هر حال تا آنجا که به چارچوب اصلی تحقیق حاضر مربوط می شود، تأثیر گذاری اصلی مجتمع صنعتی و معدنی مورد مطالعه، جذب نیروی کار مازاد و جویای کار روستایی در منطقه ای به شعاع تقریبی ۱۵۰ کیلومتر در اطراف آن بوده است. به طوری که بر طبق آمارها و اطلاعات موجود از زمان شروع فعالیت آن در اواخر دهه ۴۰ شمسی تا به امروز، معدن قلعه زری همواره یکی از مراکز اصلی جذب نیروی کار مازاد روستایی در منطقه بوده است (کرمانی، ۱۳۸۵: ۱۰۹).



برقراری منبع درآمدی مطمئن و در بیشتر موارد مکفی برای افرادی که پیش از اشتغال در معدن اغلب دارای مشکلات شدید مالی در زندگی خود بوده اند، را می توان به عنوان مهم ترین اثر اشتغال صنعتی بر زندگی روستاییان در نظر گرفت. رشد سالانه حقوق دریافتی کارگران و محاسبه حداقل آن بر پایه قوانین و مقررات مدون (کشوری)، امکان مسائلی همچون برنامه ریزی برای هزینه های مختلف زندگی، بهبود الگوی مصرف و تملک دارایی های باثبات مانند مسکن را برای روستاییان فراهم کرده است.

تمرکز جمعیت حاصل از استقرار صنعت در منطقه مورد مطالعه که عموماً دارای آبادی های با جمعیت ناچیز بوده است، قابل ملاحظه است. به ویژه آنکه در طول سال های مختلف روند خالی از سکنه شدن آبادی های کوچک در منطقه با شدت استمرار یافته است. به گونه ای که در ۱۰ سال گذشته آبادی های دارای سکنه دهستان از ۷۵ به حدود ۲۵ آبادی کاهش یافته است (همان، ۱۱۰). در چنین وضعیتی فعالیت مجتمع صنعتی معدنی مورد مطالعه در راستای ایجاد و تداوم بخشی به تمرکز جمعیتی در منطقه ای نیمه بیابانی اهمیت مضاعفی می یابد. چنین تمرکز جمعیتی به طور بالقوه می تواند امکان و توجه لازم برای برقراری امکانات مختلف زیربنایی و رفاهی را فراهم آورد. امری که در عمل هم تا حد قابل ملاحظه ای اتفاق افتاده است.

### فهرست منابع

- ادواردز جک نی، ماری دی توماس، رزن فلد پل و استفانی بوث کیولی (۱۳۷۹): تحقیق پیمایشی راهنمای عمل، ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- پاشائیان، عباسعلی (۱۳۷۲): تاثیر مجتمع فولاد نیشابور بر روستاهای دشت نیشابور، دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- جانستون، رونالد جان (۱۳۷۹): مسأله جا «تفحصی در جغرافیای انسانی»، ترجمه جلال تبریزی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- جمعه پور، محمود (۱۳۸۴): مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی، دیدگاه ها و روش ها، تهران، انتشارات سمت.
- خاتون آبادی، سید احمد (۱۳۷۸): تبیین جایگاه صنایع روستایی در رابطه متقابل با صنایع شهری و بخش

کشاورزی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش صنایع روستایی، تهران، اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری جهاد کشاورزی.

خداکریمی، محمد (۱۳۷۰): صنایع روستایی و نقش آن در ایجاد تعادل اقتصادی در شهر و روستا، دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۴): مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی، تهران، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول.

دهقانی، عباسعلی (۱۳۷۳): استقرار صنعت در مناطق روستایی کشور (۱۳۶۶-۱۳۷۰) و اثرات اجتماعی اقتصادی صنایع به بهره‌برداری رسیده در استان اصفهان، دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

رادان، محمد مهدی (۱۳۷۵): ارزشیابی طرح ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی با تاکید بر ارزشیابی برنامه‌های اجتماعی، مطالعه موردی: استان اصفهان، دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

رحیمی، عباس (۱۳۸۳): تبیین صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی، تهران، نشر جامعه‌نگر.

رهنمایی، محمد تقی (۱۳۷۱): توان‌های محیطی ایران، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی ایران، چاپ اول.

زیاری، کرامت اله (۱۳۸۳): مکتب‌ها نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، یزد، انتشارات دانشگاه یزد، چاپ سوم.

شیبانی، حمیدرضا (۱۳۷۷): نقش استقرار صنایع کوچک در توسعه اقتصادی و انتظام فضایی نواحی روستایی، مطالعه موری: بخش جواد آباد ورامین، دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

صدر، هوشنگ (۱۳۷۸): بررسی صنایع روستایی و نقش آن در توسعه شهرستان بیجار، دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹): نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی: استان مرکزی، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه دکترا.

طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹): صنعتی شدن روستا، سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی، تهران، اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری جهاد کشاورزی، چاپ اول.

فرجی سبکبار، حسنعلی (۱۳۸۰): برنامه ریزی صنایع روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، پایان‌نامه دکترا.

قاسمی، حمیدرضا (۱۳۷۳): بررسی نقش کارگاه‌های صنایع روستایی جهاد سازندگی در اقتصاد روستایی

شهرستان اراک، دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.

کرمانی، مهدی (۱۳۸۵): صنعتی شدن و اثرات آن بر ویژگی های اجتماعی و اقتصادی روستاها- مورد مطالعه: مجتمع صنعتی و معدنی مس قلعه زری، دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.

کلاتری، خلیل (۱۳۸۲): پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی اقتصادی، تهران، مهندسين مشاور طرح و منظر.

کاوایانی، محمدرضا (۱۳۷۴): بررسی مشکلات صنایع روستایی و راه‌های گسترش و توسعه آن، مطالعه موردی: استان همدان، دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷): بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

لطفی، محمد صادق (۱۳۸۱): برنامه ریزی گسترش صنایع کوچک روستایی، مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان همدان، دانشگاه تربیت معلم، پایان نامه کارشناسی ارشد.

لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸): نظریات مهاجرت، شیراز، انتشارات نوید شیراز.

ماجدی، مسعود (۱۳۷۳): بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی استقرار صنعت در مناطق روستایی، نمونه موردی روستاهای استان فارس، دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد.

مرادی محمود (۱۳۸۴): صنعتی سازی روستایی راهبردی برای توسعه نواحی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، پایان نامه دکترا.

موسوی شاهرودی، محمد (۱۳۸۳): صنایع کوچک، محور توسعه روستایی، تهران، نویسنده، چاپ اول.

مهدوی، مسعود (۱۳۷۷): مقدمه ایبر جغرافیای روستایی ایران، جلد اول: شناخت مسائل جغرافیایی روستاها، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.

مهندسان مشاور DHV از هلند (۱۳۷۱): رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، ترجمه سید جواد امیر، ناصر اوکتایی، مهدی گنجیان، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، چاپ اول.

Ericsson Magnus, (2005): *Summary Socio-Economic Impacts Of The Finnish Extractive Industries Raw Materials Group*, Stockholm.

Goodland Robert, (2006): *Sustainable Development Sourcebook for the World Bank Group's Extractive Industries Review: Examining the Social and Environmental Impacts of Oil, Gas and Mining*, Washington DC.

Kole Nelly M, (2004): *An evaluation of the integrated sustainable rural development programme highlighting stakeholder mobilisation and engagement*, department of agricultural economics, extension and rural development, faculty of natural and agricultural sciences, university of Pretoria.

- Mebratu Desta and Sercovich F, (2004): *Poverty, environment, and industrialization in sub-Saharan Africa*, UNIDO's Industrial Development Report.
- poverty, unemployment and rural industrialization*, (2001): United Nations Economic and Social Commission for Asia and Pacific(UNESCAP).
- Richards Jeremy P. (2002): *Sustainable Development and the Minerals Industry*, Department of Earth and Atmospheric Sciences, University of Alberta, (publicized in the Society of Economic Geologists Newsletter, January).
- Xua Wei, Tan K.C, (2002): *Impact of reform and economic restructuring on rural systems in China: a case study of Yuhang, Zhejiang*, Journal of Rural Studies, 18 - 65-81.
- Zai Liang, Yiu Por Chen, and Yanmin Gu. (2002): "Rural Industrialization and Internal Migration in China." *Urban Studies* 39 (No. 12):2175-2187.
- Zhu Nong (INRS-UCS, University of Quebec) & Luo Xubei (DECVP, The World Bank), (2003): *impacts of non-farm income on inequality and poverty: the case of rural china*.

### علائق و گرایش پژوهشی:

- مصطفی از کیا دکترای جامعه شناسی و استاد جامعه شناسی در دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد است. علائق پژوهشی او در زمینه جامعه شناسی توسعه و جامعه شناسی روستایی است.
- حسین بهروان دکترای جامعه شناسی و استاد جامعه شناسی در دانشگاه فردوسی مشهد است. علائق پژوهشی او در زمینه بررسی مسائل اجتماعی ایران و جامعه شناسی روستایی است.
- مهدی کرمانی دانشجویی دکترای جامعه شناسی در دانشگاه فردوسی مشهد است. علائق پژوهشی او جامعه شناسی توسعه و جامعه شناسی فرهنگی است.

پرونده علمی دانشکده ادبیات و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی